

خبرها

حکم ریاست «حسین انتظامی» بر سینما صادر شد

بخش فرهنگی– وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی حسین انتظامی را که پیش از این سرپرستی سازمان سینمایی، سمعی و بصری را عهده دار بود به عنوان معاون وزیر و رئیس این سازمان منصوب کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حکم سیدعباس صالحی خطاب به حسین انتظامی آمده است:

«نظر به تعهد، سابقه و توانایی مدیریتی ارزشمند جناب عالی به موجب این حکم به سمت معاون وزیر و رئیس سازمان سینمایی، سمعی و بصری منصوب می شوید.

منتظار می رود با بهره گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود، در رشد و اعتلای کیفی سینمای کشور و توجه به تولیدات متناسب با سبک زندگی ایرانی اسلامی، صیانت از حریم اخلاقی و هنرهای ملی، شکوفایی اقتصاد سینما و حضور فعال تر در بازارهای جهانی شکوفا باشید.

توفیق جنابعالی را از درگاه خداوند متعال مسالت دارم.»

انتظامی به زودی در یک نشست خبری سیاست‌ها و برنامه های خود در سازمان سینمایی، سمعی و بصری را اعلام خواهد کرد. حسین انتظامی از آذر ماه سال گذشته به عنوان سرپرست سازمان سینمایی انتخاب شده بود که سرانجام بعد از ۵ ماه،حکم ریاست سازمان سینمایی را هم گرفت.

حسین ترابی، محمد علی نجفی، مهدی کلهر، کمال حاج سید جوادی، فخرالدین انوار، مهدی فریدزاده، عزت‌اله ضراغمی، زنده‌یاد سیف‌الله داد، محمد حسن پزشک، محمد مهدی حیدریان، محمدرضا جعفری جلوه، جواد شمقدری، حجت‌الله یوبی و دوباره محمد مهدی حیدریان در این سال‌های پس از انقلاب به عنوان معاون سینمایی و در مقاطعی تحت عنوان رییس سازمان بر این مسند حضور داشتند.

●●●●●

«هزارداستان» و «دورهمی» در کنداکتور رضانی شبکه نسیم

بخش فرهنگی – برنامه گفتگومحور رضانی شبکه نسیم «هزارداستان» است که سری جدید آن هر شب ساعت ۱۹ روی آنتن می‌رود؛ «نگاه» سریال رضانی و منتخب «دورهمی» هم به آنتن می‌رسد.

برنامه «هزار داستان» به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی و کارگردانی مریم نوایی‌ژاد با شروع ماه مبارک رمضان از دوشنبه هر شب ساعت ۱۹ که در هر قسمت با داستان‌های جذاب و چهره‌هایی که میزبان مهمانان برنامه قرار می‌گیرد از شبکه نسیم پخش می‌شود. در این ۳۰شب، با داستان‌های جذاب مواجه خواهیم بود و داستان‌های «هزار داستان» به تکرار نمی‌رسد زیرا آدماه‌ی دعوت می‌شوند که با نوع بیان‌شان یا نوع زندگی‌شان ویژه است. شبکه نسیم بعد از مدت‌ها سریال «بزنگاه» رضا عطاران را به عنوان کار نمایشی رضانی خودش انتخاب کرده و ساعت ۲۰:۳۰ به مدت سی دقیقه روی آنتن می‌برد. «فاج» نام برنامه بعدی شبکه نسیم است که از ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود؛ پیش از این تهیه‌کننده این مجموعه اعلام کرد که ۱۵ قسمت این برنامه در مناطق سیل‌زده تصویربرداری می‌شود و روی آنتن می‌رود. «فاج» هر شب از ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود و امید جوان بعد از تعطیلی موقت «خندوانه» روی آنتن شبکه نسیم می‌ماند. این برنامه هم مدت ۳۰ دقیقه هر شب ماه مبارک رمضان روی آنتن خواهد بود و «شویتال» نام برنامه بعدی است که ساعت ۲۱:۳۰ با اجرای امیرحسین رستمی روی آنتن می‌رود. البته «شویتال» برنامه هر شب شبکه نسیم نیست و روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه پخش می‌شود. برنامه «کودک‌شو» که مدتی روی آنتن است و اتفاقاً در مناطق سیل‌زده هم حضوری داشته‌اند و آیتنهایی را به تعبیر پیمان باغزی روی آنتن خواهند داشت در شب‌های ماه مبارک رمضان روزهای شنبه تا سه‌شنبه ساعت ۲۳ و روز جمعه ساعت ۲۱:۳۰ روی آنتن خواهند بود.

برنامه «دورهمی» هم که قرار بود سری جدید آن در اردیبهشت‌ماه روی آنتن برود با کنداکتور اعلام شده شبکه نسیم گویا هنوز نتوانسته سری جدید خودش را آماده کند. یا به تعبیری با حاشیه‌های روز آخر (سیزدهم فروردین) روی آنتن پیش آمد هنوز سری جدیدی آماده نشده و منتخب برنامه‌های قبل «دورهمی» روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه ایام ماه مبارک رمضان ساعت ۲۳ روی آنتن خواهد بود.

●●●●●

«طعمه» جدید در لیست پرفروش‌ها

بخش فرهنگی – آمار منتشرشده نشان می‌دهد بیست و نهمین نسخه از سری داستان‌های «طعمه» نوشته «جان سندفورد» باز هم به لیست کتاب‌های داستانی پرفروش آمازون راه یافته است. به گزارش ایسنا، «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» نوشته «دلیا اونز» در سی و چهارمین هفته از حضور خود در لیست کتاب‌های پرفروش داستانی آمازون، همچنان رتبه نخست این لیست را به خود اختصاص داده است. این کتاب که به عنوان یکی از نامزدهای نهایی جایزه «ادگار آل پو» سال ۲۰۱۸ انتخاب شده بود، داستان روابط انسانی و عشق و تقلای یک زن تنها برای زنده ماندن را روایت می‌کند. «رستگاری» نوشته «دیوید بالداچی» که در هفته دوم حضور خود در لیست هفتگی کتاب‌های داستانی پرفروش آمازون قرار دارد، رتبه سوم این لیست را به خود اختصاص داده است. این درحالی است که «رستگاری» در هفته اول حضور خود توانسته بود جایگاه اول لیست پرفروش‌های نیویورک‌تایمز را از چنگ «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» درآورد. «رستگاری» داستان کارآگاهی به نام «درکر» را که متوجه اشتباه هولناکش به عنوان یک کارآگاه تازه‌کار و عواقب ناشی از آن می‌شود، روایت می‌کند.

اما اثر جدیدی که راه خود را به لیست پرفروش‌های آمازون باز کرده، رمان «طعمه نئون» نوشته «جان سندفورد» است که توانسته جایگاه دوم لیست پرفروش‌های آمازون را از آن خود کند. این اولین‌باری نیست که کلمه «طعمه» در عنوان اثر این نویسنده استفاده شده است. پیش‌تر، «سندفورد» ۲۸ بار دیگر نیز از کلمه «طعمه» در عناوین آثارش استفاده کرده بود. «طعمه پیچیده»، «طعمه زمستانی»، «چشمان طعمه» و «طعمه مخفیانه» از جمله آثار پیشین این نویسنده هستند که بسیاری از آن‌ها در زمان انتشارشان مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته‌اند. «طعمه نئون» داستان مهیج و دلهره‌آور «لوکاس دنونپورت» را شرح می‌دهد که در جست‌و جوی یک قاتل سریالی حرفه‌ای است که برای سال‌های متوالی بی آن‌که توجه کسی را به خود جلب کند دست به جنایت‌های هولناک می‌زند.

{ فرهنگ و هنر }

زندگی تلخ فریدا کالو، نامی‌ترین زن تاریخ هنر

ترجمه: پردیس بختیاری

فریدا کالو «FRIDA KAHLO» نقاش مکزیکی و یکی از زنان نامدار تاریخ هنر معاصر است که بیشتر به خاطر خودنگاره‌های هنرمندانه اش، مشهور می‌باشد. واقعا سخت است که نقاشی‌های فریدا را با نقاشی‌های دیگر نقاشان مشهور جهان مقایسه کنیم. بسیاری از

آثار او سلف پرتره‌هایی ست در مورد آن‌ها

گفته: «کثر نقاشی‌های من تصویری از خودم است، زیرا که من بیشتر مواقع تنها بودم و خودم را بیش از هر کس و هر چیز دیگری می‌شناختم.» البته تنها نقاشی‌های او نیست که توجهات زیادی به سمت خود جلب کرده، بلکه زندگی پر فراز و نشیب و ترا‌د‌آور او نیز در شهرت و محبوبیت او بی تاثیر نبوده است.

زندگی فریدا کالو از همان لحظه تولد پر از اتفاقات عجیب بوده، اما او ثابت کرد که زن بسیار قدرتمندی ست.

فریدا در تاریخ ۶ ژوئیه ۱۹۰۷ از پدری آلمانی‌تبار و مادری دورگه (اسپانیایی و بومی مکزیک) در خانه‌ای که اکنون موزه فریدا است، موسوم به «خانه آبی» در شهرک کوچکی به نام کویواکان در حومه مکزیکوسیتی به دنیا آمد، پدرش از هنرمندان عکاس مشهور مکزیک بود که پرتره‌های زیادی از کودکی فریدا گرفته است. سلف‌پرتره‌هایی که فریدا از خود می‌کشید در واقع به نوعی تداوم عکس‌های پدرش است.

او سه ساله بود که انقلاب مکزیک و جنگ‌های داخلی به وقوع پیوست. در شش سالگی به علت ابتلا به فلج اطفال چندین ماه در خانه بستری شد. این

بیماری انحرافی ماندگار در پای راستش باقی گذاشت و همین موضوع باعث شد تا پای راست او همیشه لاغرتر از پای دیگرش باشد و سبب شد از آن پس تا پایان عمر در همه‌جا با دامن‌های بلند ظاهر شود. شاید به دلیل همین بیماری اش بود که او به رشته پزشکی علاقمند شد و توانست در مدرسه پزشکی که تنها ۳۵ دختر در مقابل ۱۹۶۵ پسر شرکت کردند، ادامه تحصیل دهد.

در سپتامبر ۱۹۲۵، نقطه عطف زندگی فریدا کالو به شکل حادثه‌ای دردناک بر او فرود آمد. فریدا دانشجوی هجده ساله رشته پزشکی در تصادف شدید اتوبوس از ناحیه شانه، سینه، کمر، لگن و پا دچار شکستگی‌های متعدد شد. خودش درباره لحظه سانحه می‌گوید «دسته صندلی، چون شمشیری که به گلو می‌زنند در من فرورفت.» در این میان، به دنبال جراحی‌تی که بر اثر فرورفتن میله‌ای آهنی بر رحم او ایجاد شد، فریدا تا پایان عمر از داشتن فرزند محروم ماند.

او چندین هفته در بیمارستان بیهوش بود و زمانی که به هوش آمد، اولین خواسته‌ای که از پدرش داشت، خرید لوازم نقاشی بود. اولین نقاشی که او پس از تصادف اش کشید، تصویر یک اتوبوس بود که آن را با مداد طراحی کرده بود. او اعتقاد داشت که نقاشی تنها راهی ست که به او قدرت می‌دهد و او را برای زندگی دوباره آماده می‌کند.

فریدا تجربیات عاطفی پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت. پس از حادثه تصادف، نامزدش از ازدواج با او منصرف شد. فریدا پس از بهبودی، پرتره‌های خودش را نزد دیه‌گو ریورا، نقاش دیواری معروف و کمونیس‌ت مکزیکی برد که قبل‌تر در دوران کوتاه و ناتمام دانشجویی پزشکی در کلاس‌های طراحی با او آشنا شده بود. نقاشی‌های کالو مورد توجه

دیه‌گو ریورا قرار گرفت و این دیدار دوباره آغازی شد برای زندگی مشترک آن دو که بعدها در سال ۱۹۲۹منجر به ازدواج شد. در زمان ازدواج دیه‌گو ۴۲ ساله بود و فریدا ۲۲ سال داشت. مادر فریدا که با ازدواج آن دو مخالف بود به آن‌ها مثل «فیل و فاخته» را نسبت داد.



فریدا یک بار از دیه‌گو باردار شد که به سقط ناخواسته جنین انجامید. این تجربه ناکام مادری در آثار بعدی او نمود عینی پیدا کرد. تابلوی معروف فریدا از خودش، جنین، رحم و خون گویای همین حادثه است.

فریدا سومین همسر دیه گو بود. اگر چه دیه گو در هنرش بسار خوب و موفق بود، اما در ازدواج اش چنین نبود. او به زاناش مدام خیانت می‌کرد که فریدا نیز از آن مستثنی نبود. فریدا می‌دانست که او با زنان دیگر در تماس است، اما هیچوقت به رویش نیاورد. اما حادثه روحی بزرگ هنگامی رخ داد که ده سال پس از زندگی مشترک، فریدا همسرش را با خواهر کوچکترش «کریستینا» دید و از دیه‌گو جدا شد. او خود در مورد دوران جدایی‌شان چنین می‌گوید: «دیگر دیه‌گو هم با من نیست، رهایش کردم. حالا خودم هستم. نقاشی می‌کنم. این بار خودم را می‌کشم. دست در دست خودم، با خودم ازدواج کرده‌ام. راستی. آیا من برای خود کافی‌ام؟»

اگر به نقاشی‌هایی که او پس از جدایی از همسرش کشیده نگاهی بیاندازید، خواهید دید که حیوانات زیادی در نقاشی‌های او وجود دارند که از حیوانات خانگی اش، چون میمون، طوطی، کبوتر و سگ الهام

گرفته اند. در شرایطی که او بیماری سختی را تحمل می‌کرد و در بیمارستان به سر می‌برد، همسرش بالای سر او رفت و بار دیگر از او خواستگاری کرد، فریدا هم برای بار دوم به او پاسخ مثبت داد.

هر چه بیشتر می‌گذشت، وضعیت جسمی فریدا نیز بدتر می‌شود. او در سال ۱۹۵۳ به قدری بیمار شد که توان بلند شدن از روی تخت را هم نداشت. در همان سال او نمایشگاهی در مکزیک برگزار کرد که مجبور شد با تخت اش در آن حضور یابد.

در ۱۹۵۳ پزشکان به دلیل وخامت بیماری قانقاریا مجبور شدند یکی از پاهای فریدا را قطع کنند. فریدا که یک سال آخر عمرش را بر صندلی چرخدار می‌گذراند، برای تحمل دردهای جسمی و روحی به اعتیاد روی آورده بود و در نهایت در ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۴ در دلیل انسداد جریان خون درگذشت. خاکستر او هم اکنون درون کوزه‌ای در خانه قدیمی اوست که حالا تبدیل به «موزه فریدا کالو» شده‌است. او چند روز پیش از درگذشت اش در یادداشت‌های روزانه اش نوشته بود: «امیدوارم عزیمت لذت بخش باشد و امیدوارم هرگز بازنگردم.»

آثار هنری سال‌های آخر او بسیار الهام بخش و تاثیرگذار بوده است. فریدا تاکنون بیش از ۱۵۰ تابلوی نقاشی از خود به جای گذاشته است. او خودش سلف پرتره هایش را بیش از همه دوست داشت، از این رو که بازتابی از درد و رنج‌های زندگی او بود.

فیلمی با نام «FRIDA» به کارگردانی جولی تایمور و با بازی سلما هایدک در سال ۲۰۰۲ به نمایش در آمد. در کنار آن موسیقی و کتاب‌های زیادی نیز از این نقاش معروف منتشر شده است که زندگی و شخصیت این هنرمند را بهتر توصیف می‌کند.

درباره آنا گاوالدا، نویسنده الهام‌بخش بسیاری از زنان

که این کتاب‌ها به‌نوعی سلیقه‌ای و ذائقه‌ای بوده و طبیعتاً برای تمامی افراد از ارزش واحدی برخوردار نباشند.

چگونگی مهارت نویسندهی آنا گاوالدا

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد نکته جالب در رابطه با آثار آنا گاوالدا آن است که زنان بسیاری از سراسر جهان با خواندن داستان‌ها و رمان‌های او احساس همزادپنداری و نزدیکی پیدا می‌کنند و همین هم باعث می‌شود تا کارهای او را دنبال نمایند. آنا گاوالدا

معتقد است که باید یک اثر را در استقلال کامل نوشت و دل‌مشغولی فروش آن را از سر بیرون کرد تا بتوان به نتیجه‌ای مطلوب و درست دست یافت. به همین دلیل هم هست که در وهله اول خواننده حس همزادپنداری و صداقت را از این نویسنده دریافت کرده و کم‌کم تبدیل به تغییر و تحول می‌شوند و همین امر سبب می‌شود از تاثیر این تنش‌های پیاپی و انباشته شده فیلم کاسته شود. با این همه، دوساعت و پانزده دقیقه فیلم برای نشان دادن کیفیت واقعی در رابطه با فجاجیة القاعده کافی نیست. اما این فقدان، در سادگی و اعتدالی پرشور از فیلمسازی جبران شده است.

یکی از جداییت‌های این فیلم هدایت درست و گیرای بازیگران است، بلاخص الناز شاکردوست که نقش زنی باشاش را بازی می‌کند که نمی‌خواهد باور کند همسرش به راهی مخوف پاگذاشته است. زمانی درمی‌آید که زندگی‌اش در حال نابودی است که میان کلبوسی وحشتناک دست و پا می‌زند. سکانس‌های آغازین فیلم روان و لطیف است. باید برای حمید نجفی راد به خاطر تدوین شاخص‌اش کلاه از سر برداشت. وی چنان مدرن و فریبنده در نیمه اول فیلم تماشاگر را به بازی می‌گیرد که مخاطب فکر می‌کند داستان تا پایان با همین لحن ادامه می‌یابد اما چنین نمی‌شود و ورق بعد از پایان نیمه اول فیلم برمی‌گردد.

فیلمنامه طوری توسط ترگس آبیار و همکارش مرتضی اصفهانی نوشته شده که به نظر می‌رسد عبدالحمید دو پایان برای خود می‌خواهد، در صورتی که تنها یک پایان می‌تواند وجود داشته باشد. الناز شاکردوست به عنوان بازیگر که کم دیده شده است، شخصیتی درست از فائزه خلق می‌کند که از معصومیتی تمام و کمال، به سردی مطلق بدل می‌شود و خود را در دامی می‌یابد که بدون فرزندانش از آن نمی‌تواند رها شود. علی‌رغم پیاپی تلخ، این فیلم اثری‌ست بسیار رنگارنگ و موسیقاییی که چشم مخاطب را تمام مدت به دنبال خود می‌کشاند. از تصویر در بازارهای ایران و پاکستان گرفته تا سکانس‌های توهم‌زای بیابان‌ها و کوه‌ها.»

دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸

خبرها

تندیس بهترین کارگردان جشنواره فیلم قونیه برای مجید مجیدی

بخش فرهنگی– جشنواره جهانی فیلم قونیه در مراسمی که در مرکز فرهنگی مولانا در قونیه برگزار شد تندیس «بهترین کارگردان» این جشنواره را به مجید مجیدی اهدا کرد.

به گزارش روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، در دومین جشنواره جهانی فیلم قونیه دو فیلم از مجید مجیدی کارگردان شاخص سینمای ایران نمایش داده شد. در این مراسم عبدالستار یارار دبیر جشنواره جهانی قونیه در سخنانی با تقدیر از نقش مجید مجیدی در ساخت آثار سینمایی شاخص با پیام‌های انسانی و اخلاقی، سینمای نوین ایران را پیام‌آور معنویت دانست.

امسال دبیرخانه جشنواره جهانی فیلم قونیه، مجید مجیدی را با فیلم‌های «بید مجنون» و «چچه‌های آسمان» به این رویداد سینمایی دعوت کرده است. فیلم‌های «چچه‌های آسمان» و «بید مجنون» با حضور این کارگردان به نمایش درآمد و مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

در مدت حضور مجیدی در قونیه چند نشست دانشگاهی و رسانه‌ای نیز برگزار می‌شود.

مجید مجیدی را با فیلم «بچه‌های آسمان» می‌شناسند. او به خاطر این فیلم تحسین‌برانگیز به عنوان نخستین کارگردان ایرانی در فهرست پنج فیلم نامزد دریافت جایزه اسکار ۱۹۹۸ قرار گرفت.

مجید مجیدی تنها کارگردان ایرانی است که امسال جایزه ویژه جشنواره جهانی فیلم قونیه را دریافت کرد. این جایزه برای قدرانی از کارگردان‌هایی است که به ریشه‌ها و باورهایی معنوی و دینی خود وفادار مانده‌اند.

جشنواره فیلم قونیه در روزهای یازدهم تا شانزدهم اردیبهشت، به مناسبت ورود خانواده مولانا به شهر قونیه، برگزار می‌شود. در جشنواره جهانی عرفانی فیلم قونیه فیلم‌هایی که درون مایه معنوی و عرفانی دارند، پذیرفته می‌شوند. کارگردانان برجسته‌ای از ترکیه، فیلم‌ها و کارگردان‌هایی را برمی‌گزینند.

●●●●●

تمجید دیورا یانگ و هالیوود ریپورتر از فیلم «شبی که ماه کامل شد»

بخش فرهنگی– دیورا یانگ (منتقد سینمایی هالیوود ریپورتر) درباره فیلم شبی که ماه کامل شد، یادداشتی را منتشر کرد. به گزارش ایلنا، متن یادداشت دیورا یانگ به شرح زیر است:

«شبی که ماه کامل شد، فیلمی داراماتیک است که براساس واقعیت ساخته شده است. یک عروس جوان و آسوده خاطر ایرانی، زمانی کشف می‌کند که خانواده همسرش از اعضای القاعده هستند که دیگر خیلی دیر شده است؛ یک درام سیاسی بارور شده، براساس وقایع تاریخی، یک داستان عاشقانه و یک فیلم پر از وحشت در قالبی میخکوب‌کننده به روایت ترگس آبیار.

این کارگردان توان و استعداد خود را به بهترین نحو در شبی که ماه کامل شد به تصویر می‌کشد. وی بعد از دو فیلم شبیار ۱۴۳ و نفس با موضوعات انسانی در رابطه با جنگ ایران و عراق، اکنون به موضوع القاعده می‌پردازد و مانند اپرایی که رفته رفته اوج می‌گیرد، گام به گام ما را در لحظات هراس و ترس فرومی‌برد.

یک زندگی رویایی، شان و رمانتیک که در نیمه دوم فیلم به یک داستان هراس‌انگیز و پر از رعب بدل می‌شود. این فیلم جایزه بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مرد و زن را در جشنواره ملی فیلم ایران و جشنواره فیلم فجر در بهمین ماه به دست آورده است و به احتمال زیاد جایزه‌های زیادی را از جشنواره‌های دیگر را از آن خود خواهد کرد.

نکته مهم اینکه شخصیت‌های فیلم سریع دستخوش تغییر و تحول می‌شوند و همین امر سبب می‌شود از تاثیر این تنش‌های پیاپی و انباشته شده فیلم کاسته شود. با این همه، دوساعت و پانزده دقیقه فیلم برای نشان دادن کیفیت واقعی در رابطه با فجاجیة القاعده کافی نیست. اما این فقدان، در سادگی و اعتدالی پرشور از فیلمسازی جبران شده است.

یکی از جداییت‌های این فیلم هدایت درست و گیرای بازیگران است، بلاخص الناز شاکردوست که نقش زنی باشاش را بازی می‌کند که نمی‌خواهد باور کند همسرش به راهی مخوف پاگذاشته است. زمانی درمی‌آید که زندگی‌اش در حال نابودی است که میان کلبوسی وحشتناک دست و پا می‌زند.

سکانس‌های آغازین فیلم روان و لطیف است. باید برای حمید نجفی راد به خاطر تدوین شاخص‌اش کلاه از سر برداشت. وی چنان مدرن و فریبنده در نیمه اول فیلم تماشاگر را به بازی می‌گیرد که مخاطب فکر می‌کند داستان تا پایان با همین لحن ادامه می‌یابد اما چنین نمی‌شود و ورق بعد از پایان نیمه اول فیلم برمی‌گردد.

فیلمنامه طوری توسط ترگس آبیار و همکارش مرتضی اصفهانی نوشته شده که به نظر می‌رسد عبدالحمید دو پایان برای خود می‌خواهد، در صورتی که تنها یک پایان می‌تواند وجود داشته باشد. الناز شاکردوست به عنوان بازیگر که کم دیده شده است، شخصیتی درست از فائزه خلق می‌کند که از معصومیتی تمام و کمال، به سردی مطلق بدل می‌شود و خود را در دامی می‌یابد که بدون فرزندانش از آن نمی‌تواند رها شود. علی‌رغم پیاپی تلخ، این فیلم اثری‌ست بسیار رنگارنگ و موسیقاییی که چشم مخاطب را تمام مدت به دنبال خود می‌کشاند. از تصویر در بازارهای ایران و پاکستان گرفته تا سکانس‌های توهم‌زای بیابان‌ها و کوه‌ها.»